



کم و کیف روابط تجاری میان ایران و مصر، مطالعه موردی: عصر سلجوقی و فاطمی

پدیدآورده (ها) : جرج، ت. اسکنلن؛ رحمتی، محسن

تاریخ :: سخن تاریخ :: پاییز و زمستان 1392، سال 6 - شماره 18

از 9 تا 26

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1042138>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان

تاریخ دانلود : 19/04/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوائین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

کم و کیف روابط تجاری میان ایران و مصر، مطالعه موردی؛ عصر سلجوقی و فاطمی^۱

نوشته: جرج.ت. اسکالن^۲

ترجمه: محسن رحمتی^۳

چکیده

با توجه به نقش حیاتی جاده ابریشم در اقتصاد ایران و منتهی شدن این جاده به بنادر کناره دریای مدیترانه و مصر، یک سری روابط تجاری گسترده میان هر دو منطقه به وجود آمد که تا عهد سلجوقی رونق داشت، اما با توجه به رقابت فاطمیان با عباسیان و حمایت سلجوقیان از بنی عباس و همچنین با عنایت به آغاز جنگ‌های صلیبی، مناسبات سیاسی ایران و مصر، به یک رکود عظیم دچار شد که در نتیجه، به نظر می‌رسد این روابط و مراودات تجاری قطع شده باشد. در منابع تاریخی، اطلاعات زیادی درباره این روابط تجاری موجود نیست؛ اما یافته‌های باستان‌شناسان در حفاری‌های فسطاط، داده‌های زیادی در این باره، در دسترس محققان قرار می‌دهد؛ از این رو با این سؤال مواجه‌ایم: در طی دوره مذکور، روابط اقتصادی ایران مصر چگونه بود؟ این مقاله درصدد است تا از طریق تحلیل و مقایسه سبک آثار سفالینه یافته شده، به کم و کیف مناسبات تجاری بین ایران و مصر در عهد سلجوقیان و

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از:

George T. Scanlon, A NOTE ON FATIMID- SALJUQ TRADE, in Islamic Civilization 950-1150, ed.D.S.Richards(London,1973).

لازم به ذکر است که در ترجمه، تلاش اصلی بر آن بوده تا آن چه مورد نظر مؤلف است درج گردد و از این رو، متن حاضر، برگردان عین سخن مؤلف است جز مطالبی که در داخل علامت [] دیده می‌شود که مترجم آن‌ها را یا برای ارائه توضیحی جهت فهم بیش تر و بهتر مطلب و یا جهت نقد نظرات مؤلف افزوده است. در ضمن، متن مقاله، فاقد چکیده، کلیدواژه، مقدمه، عناوین فرعی، نتیجه و فهرست منابع بود ولی مترجم جهت استفاده بهتر این مطالب را نیز بدان افزود.

۲. استاد هنر و معماری اسلامی در دانشگاه آمریکایی قاهره.

۳. دانش‌یار گروه تاریخ دانشگاه لرستان. رایانامه: mohsenrahmati45@gmail.com

تاریخ تأیید: ۱۳۹۱/۸/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۷/۸

فاطمیان وضوح بیش‌تری ببخشد. این مقاله با استناد به این یافته‌ها نشان می‌دهد که این روابط تجاری به طور کامل قطع نشده و به رغم اختلافات شدید سیاسی، تجارت بین ایران و مصر در قرون پنجم و ششم هجری تداوم داشته است.

واژگان کلیدی

تجارت، فاطمیان، سلجوقیان، مصر، ایران.

مقدمه

تجارت میان ایران و مصر در دوره اسلامی، یکی از فرازهای پر اهمیت تاریخ اقتصاد ایران است. به ویژه از قرن دوم هجری، گسترش یافته و در قرن سوم هجری به اوج خود می‌رسد. از زمان غلبه هخامنشیان بر مصر در قرن ششم قبل از میلاد، روابط سیاسی و اقتصادی تنگاتنگی بین ایران و مصر برقرار شد که در طول قرون متمادی با فراز و نشیب تداوم داشت. از طرفی، جایگاه مهم جاده ابریشم در اقتصاد ایران و منتهی شدن این جاده به بنادر کنار دریای مدیترانه و مصر، یک سری روابط اقتصادی گسترده میان هر دو منطقه به وجود آورد که تا عهد صفوی رونق داشت. این مناسبات به ویژه در دوره بعد از اسلام، شدت بیش‌تری گرفته و با استیلای عباسیان بر جهان اسلام، با توجه به جایگاه ایرانیان در دستگاه آن‌ها، این روابط به اوج رسید و مصر از دو طریق اداری و تجاری، به شدت تحت تأثیر عمیق فرهنگ ایرانی قرار گرفت، اما با ضعف سیاسی دستگاه خلافت عباسی و برآمدن خلافت فاطمی در مصر و شمال آفریقا، در اواخر قرن ۳ ق/ ۱۰ م روابط سیاسی و اقتصادی ایران و مصر را دچار دگرگونی ساخت.

بدین معنی که بویهیان و در پی آن سلجوقیان که بر ایران حکومت می‌کردند و دستگاه خلافت عباسی در بغداد را نیز زیر نفوذ و حمایت خود داشتند و در حمایت از عباسیان، به عنوان رقبای سیاسی، به تقابل با فاطمیان پرداخته و مناسبات سیاسی ایران و مصر، جنبه خصمانه به خود گرفت.

رسالت مقاله حاضر، ارائه پاسخی روشن به این سؤال است که: تیرگی روابط سیاسی فاطمیان و سلجوقیان، چه تأثیری بر روابط و مناسبات اقتصادی و فرهنگی بین رعایای دو دولت گذاشت؟ با توجه به سکوت منابع تاریخی از یک‌سو و تمرکز این منابع بر مسایل سیاسی، از طریق داده‌های تاریخی نمی‌توان به این پرسش‌ها پاسخ داد، فقط تحلیل یافته‌های باستان‌شناسی به عنوان اسناد و مدارک تأیید شده، تا حدودی می‌تواند محقق را

در این باره یاری نماید.

رقابت سلجوقیان و فاطمیان

از نظر تاریخی کاملاً مسجل است، بعد از آنکه طغرل بیگ، سلطان متعصب سنی سلجوقی، کودتای فاطمی ۱۰۵۵ م. در بغداد را خنثا کرد، خصومت مذهبی و سیاسی که حکام پیچ شرقی هلال خصیب در طول قرون یازده و دوازده، نسبت به فرمانروایان مصر، ابراز می کردند، شدت گرفت. تا ۴۸۳ ق/ ۱۰۹۰ م سپاه سلجوقی بر آناتولی مسلط شدند و ناحیه سوریه‌ای هلال خصیب و زمین‌های ماورا آن را به گونه‌ای مؤثر تحت کنترل آوردند. معقول و منطقی است که تصور کنیم اگر بعد از مرگ ملک‌شاه در سال [۴۸۵/ ۱۰۹۲، مشکلات حکومتی پیش نیامده بود، قبل از اتمام این قرن (۵ ق/ ۱۱ م) بر فاطمیان مصر غلبه می یافتند. با تهدیدی که نخستین صلیبی‌ها که باید با نبردهای موازی با آن مقابله می شد، داشتند. به هیچ وجه معلوم نیست که آیا این پیروزی می توانست محقق شود؟ این پدیده پیش‌بینی نشده، از تحقق آرزوی سلجوقیان جلوگیری کرد و هر نوع احتمال وحدت مصر و سوریه را تقریباً برای مدت یک قرن دیگر منتفی ساخت و دوره فرمان‌روایی ضعیف سلسله جدید فاطمی را برای هفتاد سال دیگر تضمین کرد.

با استناد به گزارش جهان گردان و وجود کالای تجاری یک طرف در بازارهای (و محل‌های حفاری شده) طرف مقابل، می توان تشخیص داد که این خصومت‌های مذهبی و سیاسی از تردد اشخاص و کالاها در طول مرزهای مستحکم [با برج و باروی نظامی] و در برون و درون بندرگاه‌های طرف مقابل (اغلب در کشتی‌های طرف دیگر) جلوگیری نمی کرد. تجارت مصر نمونه خوبی از یک اقتصاد بسیار روان قرون وسطایی است. صنعت‌گران مصری علاوه بر وارد کردن محصولات خاص، تا جایی که ممکن بود به تزئین واردات و بدل سازی از آنها می پرداختند. به هر حال یک مطالعه سبک‌شناسانه می تواند مطالب عمده‌ای در باب تاریخ و اقتدار این روابط تجاری که از وقایع نامه‌ها، رویداد شمارها و اسناد اقتصادی موثق، چنان که در دسترس ماست، به دست می آید بیفزاید. حفاری‌های اخیر [در حدود ۱۳۵۲ ش/ ۱۹۷۳ م] در فسطاط، حقیقت و درستی استدلال عقاید اخیر را تأیید می کند. به رغم قیود طبیعی ناشی از احتمال خطای انسانی در زمینه حفاری و مشکلات ذاتی مربوط به محل، که بعضاً نیز بر هم‌زننده کارها است اکنون به احتمال می توان یک سال شمار نسبتاً مطمئن برای دوره حدود سال‌های [۵۹۷- ۳۰ ق/]

۱۲۰۰-۶۵۰ م عرضه کرد. علاوه بر این، تجزیه و تحلیل پشته‌های لایه‌بندی نشده می‌تواند موضوعات جالبی برای مطالعه در قرن [۱۰ ق/ ۱۶ م به ما دهد. دو محدوده مطالعاتی از پشته‌های لایه‌بندی نشده و دست نخورده این منطقه (فسطاط) بدست می‌آید: الف) دامنه و محدوده گاه شماری و منشأ جغرافیایی کالاهای وارد شده به ویژه سفال‌ها.

ب) بدل‌سازی از این ابزارهای وارد شده و تزیین‌های معماری که فقدان آن مدل در مراودات و تجارت آتی مشهود است. (اسکنلن، ۱۹۷۰: ۸۱-۹۵) ^۱ مثلاً با چین، اسپانیا، آناتولی، جنوب ایتالیا و دولت‌های صلیبی (مسیحی) و نوییا (که به وضوح قابل ذکرند) لذا این مواد به دست آمده از حفاری، به ما امکان می‌دهند تا مصر را در تماس با سایر قسمت‌های شرقی دارالاسلام، به خصوص ایران و بین‌النهرین ببینیم.

تجارت ایران و مصر پیش از فاطمیان

راثون گست ^۲ تصریح می‌کند که: «با حاکمیت عباسیان، ایران بر مصر استیلا یافت. سلطه نظامی معنوی (واقعی) پایدار، برای ایرانیان در بهترین قسمت قرن [۲ ق/ ۸ م] بود که با مدیریت (شیوه اداری) ایرانی که مأمورین اعزامی از عراق اعمال می‌کردند، تا مدت‌های طولانی ادامه یافت. به خاطر سود وابستگان دربار بغداد و سایر امارت‌های شرقی‌تر، می‌توان استعمار مصر را در نیمه باقی مانده [همین] قرن مشاهده کرد. این امر یک‌سری از ایرانیان یا مردم ایرانی شده را نه تنها به فسطاط بلکه به دیگر بخش‌های مصر نیز کشاند. یک جریان منظم تجارت بین بغداد و مصر برقرار بود، گرچه منابع، فقط از تاجران ایرانی نام می‌برند. (گست، ۱۹۲۲: ۷۴)

یافته‌های مشخص در فسطاط، این روابط نزدیک را به خصوص با تأثیرات سبک‌شناختی به اثبات می‌رساند. ظهور احمد بن طولون، تطابق و سازش معماری بومی را با [سبک معماری] بیت سامرا از طریق شیوه تزیین کاری با چوب و گچ، به ویژه سبک کنده کاری‌های اریب و گچ‌بری‌های موجود در سامرا، تقویت یا بیش‌تر کرد. (کرسول، ۱۹۴۰: ج ۲، فصل ۱۷؛ کرسول، ۱۹۵۲: ج ۲، ۱۱۹؛ اسکنلن، ۱۹۶۶: ۹۲؛ ظرف ۳۲.

۱. تحلیل جزئی (دقیق) در مورد سال شماری سفال‌های فسطاط را در مقاله آماده من: «یک قطعه سفال لعاب‌دار از فسطاط» که در مجله باستان‌شناسی ([۱۳۴۰] ۱۹۷۱ م) که به عنوان باستان‌شناسی اخیر اسلامی اختصاص داده شده، چاپ خواهد شد، می‌توان یافت.

2 - Rathven Guest.

اتینگهاوزن، ۱۹۵۲: ۸۳، ۸۷: ۱۹۵۲) Hawary, 1971:87.۸۳) تکه‌های لعابی که لوستر یا چراغ رنگارنگ سامرا نامیده می‌شد به تعداد بسیار زیاد در فسطاط یافته شده است و در طول حفاری‌های انجام شده زیر نظر من قطعاتی که قطعاً از قرن نهم است، یافت شد. (اسکنلن، ۱۹۶۶: ۸۹ و ۱۰۳. ظرف شماره ۵)^۲ عمده آن‌ها کاسه لعاب‌دار رنگی (نک: ظرف ۵-ب) است که از گودالی بیرون آمد که شامل سفال‌هایی است که شکل و لعاب آن‌ها به وضوح بدلی از کالاهای وارداتی از چین در قرن [۴ ق/ ۱۰ م است. (اسکنلن، ۱۹۷۰: ۸۵-۸۲. جنکینس، ۱۹۶۸: ۱۱۹، ۴۹-۷۸: Schnydar, 1963)^۳

چند نمونه از این ابزار آلات در سایر قسمت‌های حفاری شده نیز یافت شده اگر چه تاریخ همه آن‌ها معلوم نیست، ولی تعدادشان آن قدر هست که رابطه تجاری مستمر با ایران یا بین‌النهرین را اثبات کنند. برای روابط تجاری در دوره قبل از فاطمیان چنان که سبک شناسان نشان داده‌اند، می‌توان طرح تکه‌دوزی نقش بالدار روی یک کاسه کوچک سرب اندود (نک: ظرف ۵-ج) را انتخاب کرد که به نظر می‌آید روش تزئین آن به شیوه لعاب زنی کوره‌ای شرقی نزدیک باشد. چند نمونه وارد شده از سامرا، شوش و سیراف، سرب اندودند. کاسه سرب اندود کوچکی (شکل ۱) نیز با قالب لایه‌ای- شبکه‌ای درونی وجود دارد که شبیه به آن‌هایی است که زمینه ایرانی دارند. (لین، ۱۹۵۷: ۶۵-۵۶. ظروف ۴ و ۵)

این نیروی تقلید از مدل‌های وارداتی می‌تواند به صورت یک‌سان در شیشه‌ها نیز دیده شود. چنان که سبک و هنر یک کاسه شیشه‌ای تازه خریداری شده برای موزه بریتانیا که از ایران آمده (نک: شکل ۲)، نیز به طور دقیق بر روی یک فنجان یافته شده در سال [۱۳۷۴ ش/ ۱۹۶۸ م در فسطاط، کپی شده است. بر اساس تحقیقاتی که تاکنون انجام شده، محتمل‌تر است که شیشه فلز پوش شده اخیر به کارگاه‌های مصر مربوط

۱. برای اطلاع بیشتر نک: اسکنلن، ۱۹۷۱: ۹۷.

۲. در این جا در نخستین وهله نمونه‌هایی از ظروف لعاب‌دار لعلی (یا قوتی) که از گودال ۵ بدست آمده توصیف شده است.

۳. دوشیزه جنکینز معتقد است که اصل و منشأ ظروف لعاب‌دار تک رنگ به شوش بر می‌گردد، که جای بحث دارد. اما من با ایشان در مخالفت با نظریه اشنايدر در رابطه با منشأ مصری برخی نمونه‌ها موافقم. ترکیب آن‌ها به طور کلی غیر مصری است و زواید کارگاهی مرتبط با آن تاکنون در فسطاط یافته نشده است. به هر حال شکی نیست که این واردات، سفال‌گر(ان) مصری را به تقلید از این نمونه‌ها تحریک کرده و به موقع خود، به تولید ظروف لعاب‌دار (براق) منحصر به فرد عالی فاطمی در قرون [۵ و ۶ ق/ ۱۱ و ۱۲ م منجر گشت.

باشد.^۱ (نک: شکل ۳)

وقفه در تجارت ایران و مصر در دوره فاطمیان

تنها از منظر باستان‌شناسی، به نظر می‌رسد که این تجارت بدلی، تقریباً از [۳۹۱ ق/] ۱۰۰۰ م به بعد متوقف شده باشد، در حالی که از سرگیری جدی (شدید) آن، از سال [۵۹۷ ق/] ۱۲۰۰ م تأیید می‌شود. پشته‌های لایه‌بندی نشده در فسطاط نمونه‌های بیش‌تری از هنر عالی ایرانی در قرون [۷ و ۸ ق/] ۱۳ و ۱۴ م را نشان می‌دهد که همه آن‌ها را سفال‌گران مصری بدل‌سازی کرده‌اند. ظروف سفالی سفید رنگ ایرانی به راحتی از ظروف بدلی مصری متمایزند. چون اولی (ظروف ایرانی) زیباتر، متراکم‌تر و به طور کلی ظریف‌ترند. همچنین واضح است که نمونه‌های مصری، در نقاشی‌های روی لعاب، سبک جالبی که بر روی ظروف اصلی ایرانی دیده می‌شود را ندارند.

ظروف مینایی (ظرف ۵ - د)، ظروف لعابدار رنگی که به سبک کاشان شبیه تر از سبک ری هستند (ظرف ۶ - الف) و ظروف طرح‌دار در زمینه‌های سفید و آبی رنگ با لعاب آبی روشن (ظرف ۶ - ب) (برای بدل‌سازی مصری از این حیوان شاخ‌دار ر.ک: ۷، pezard, 1920) و قطعات متعددی از ظروف بدلی سلطان‌آباد، به ویژه آن‌هایی که سطوح برجسته داخلی (ظرف ۶ - ج) دارند، نیز وجود دارند (برای یک نمونه اعلاء بدل‌سازی محلی از ظروف لعابدار منقش ایرانی نک: اسکالن، ۱۹۶۷، ۷۷ و شکل ۶.الف)

به عنوان یک نمونه سرامیک در تجارت از سر گرفته شده، قطعاتی از یک ظرف کرومی - مخروطی (ظرف ۶ - د) کاملاً ایرانی، وجود دارد که با نمونه معمولی مصری، (شکل ۴ را نگاه کنید) که به صورت شکسته و ضایع شده، در این محل یافت شده است، مقایسه و تطبیق می‌شود.^۲ همین‌طور، گوئیتن نیز از فقدان اسناد تجاری این دوره متعجب است، اگر چه در اسناد جنیزه^۳ به بازرگانان ایرانی اشاره شده است. البته در روابط مذهبی و شخصی

۱. باید معلوم شود که هر دو این جام و کاسه در شکل ۲، بیش از آن که مصری باشند، ایرانی‌اند. این قضیه را نباید منکر شد، بلکه بایستی تقویت کرد. [برای امکان همزمانی مراکز برجسته کاری روی شیشه (اولیور، ۱۹۶۱: ۲۹-۹)]

۲. سودمندی این بمب‌ها هنوز مورد تردید است. اما من خطر کرده، فرض می‌کنم که آن‌ها عموماً برای حمل جیوه استفاده می‌شده‌اند. کم‌ترین دلیل (هدفی) برای این واردات از ایران دیده نمی‌شود. ر.ک: اتینگهاوزن، ۱۹۶۵: ص ۲۲۹-۲۱۸. همچنین: Rogers, 1969: ۱۴۷-۵۸.

۳. [جنیزه/ گنیزه از ریشه گَنَز به معنای نگه داشتن، پنهان کردن و انبار کردن است. وجه مصدری جنیزه در اصل بر عمل «انبار کردن چیزی» اطلاق می‌شد و بعداً معنای «مکان انبار کردن» را به خود گرفت. جنیزه در

جوامع یهودی قاهره و فسطاط، هیچ تفاوتی با آن‌هایی (یهودیانی) که در بغداد و ایران بودند، وجود نداشت. (Goitien, 1967: 21) با اسناد موجود، مشکل بتوان، دلایل این وقفه تجاری را بیان کرد. یقیناً، انتقال تجارت شرق دور از خلیج فارس به دریای سرخ و ورود ناگهانی دولت‌های صلیبی در این امر نقش داشتند. اما هر دوی این موارد، مربوط به تجارت بحری هستند ولی تجارت بری که از بیت‌المقدس می‌گذشت، از لشکرکشی صلیبیون نخستین، بیش از سایر جنگ‌ها، تأثیر نپذیرفت.

تجارت فاطمیان و سلجوقیان

مصر از نظر اقتصادی به ایران یا بین‌النهرین وابسته نبود ولی بعد از فترت بویه‌یان، عکس آن هم صادق به نظر می‌رسد. با این وجود، نمونه‌های تجاری قبل و بعد از آن وقفه (از جمله اشیاء، سکه‌ها و تأثیرات هنری در معماری و صنعت‌گری)، که به فراوانی در فسطاط پیدا شد، نشان می‌دهد که آن‌جا، به نحو متناقضی در طول دو قرن وقفه تجارت، به عنوان مکان تقاطع راه‌های کاروانی، از شکوفایی بهره می‌برد. باید پذیرفت که احساس خصومت و حسادت جهان تسنن، نسبت به حکومت انشعابی (جدایی طلب) فاطمی می‌توانست بر تجارت واسطه‌ای (ترانزیتی) به‌ویژه در منطقه تحت نفوذ سلاجقه اثر گذارد، بنابراین از قانون اقتصادی سابق‌الذکر آزادی تجارت استثناء می‌شد.

در حفاری‌هایی که بین سال‌های [۱۳۴۳ تا ۱۳۴۷ش/ ۱۹۶۸ تا ۱۹۶۴ م در فسطاط

اصطلاح به صندوق خانه یا پستوی هر کنیسه یا هر مکان دیگری گفته می‌شود که نوشته‌های دینی حاوی نام‌های خداوند را در آن می‌اندازند. بنابر شریعت یهودی، هم‌چون رسوم رایج میان قبطیان، کتاب‌های مقدس صدمه دیده و پاره‌ای را که دیگر قابل استفاده نیستند نباید نابود کرد بلکه باید آن‌ها را در اتاق مخصوصی که بدین منظور تعبیه شده نگه داشت تا بعداً در سرداب یا مقبره‌ای به خاک سپرده شوند. جنیزه‌ها در بسیاری از جوامع یهودی شرقی و غربی وجود داشته‌اند، اما در تحقیقات امروزی هرگاه به طور مطلق سخن از جنیزه به میان می‌آید منظور جنیزه کنیسه بن‌عزرا (کلیسای قبطی که در [۱۲۹۹ش/ ۱۸۸۲ م به کنیسه تبدیل و در [۱۳۰۷ش/ ۱۸۹۰ م بازسازی شد) واقع در فسطاط است که در میان دیگر جنیزه‌ها نمونه‌ای کاملاً استثنایی است. این کنیسه، که به دست یهودیان ربانی فلسطین تأسیس شده، یکی از مهم‌ترین مراکز فعالیت‌های دینی، اقتصادی و اجتماعی به شمار می‌رفته و جنیزه آن تقریباً از قرن [۴ تا ۱۳ ق/ ۱۰ تا ۱۹ م یک‌سره برقرار و مورد استفاده بوده است. مهم‌ترین امتیاز و فایده این جنیزه برای پژوهش‌های تاریخی در این است که متصدیان امور در جامعه یهودیان فسطاط، علاوه بر نوشته‌ها، هر سندی را که به خط عبری نوشته می‌شد و از زیر دست‌شان می‌گذشت در جنیزه می‌گذاشتند. محققان امروزی در این جنیزه بیش از ۳۰۰۰۰ قطعه سند یافته‌اند که علاوه بر روشنی بخشیدن به همه حوزه‌های ادبیات و فرهنگ یهودی، برای تبیین تاریخ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی سراسر خاورمیانه و شمال آفریقا از قرن [۴ تا ۸ ق/ ۱۰ تا ۱۴ م بی‌نظیر است. برای اطلاع بیشتر در این باب نک: فردریک‌نپسن، «جنیزه»، دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۸۶: ج ۱۱، ۲۳۱-۲۲۱]

انجام شد، یک نمونه کالا به دست آمد که ترکیب (جنس)، طرح گل چهارپر کنده کاری شده بر روی آن و پایه ای که سوراخ (پس رفتگی) دارد، وارداتی بودن آن را نشان می دهد. (بنگرید به ظروف ۷ الف و ب)^۱ اگر چه اندکی از جلا افتاده، اما معتقدم که آن، قطعه ای از همان چیزی است که «کالای سفید سلجوقی» نامیده می شود. آن تنها قطعه ای است که می شناسم و در حفاری تحت کنترل در مصر به دست آمد. از آن جا که از نظر ساخت سفال در میان اجناس سرامیکی بومی نظیر ندارد، خودش مبنا و بنیانی برای تعیین مکان تولیدش می باشد. (برای یک بحث معمولی تر بر روی سفال گری در مصر از اواخر قرن [۴ ق] ۱۰ م تا اوایل قرن [۷ ق] ۱۳ م ر.ک: اسکالن، ۱۹۷۰: ۸۴. شکل های ۱-۲) اگر چه سه نمونه قابل مقایسه که همه مشهورند با همان ترکیب و تزیینات کنده کاری مشابه و هر یک با پایه [همراه با] فرورفتگی، به طور قطع جزء گروه اجناس سفید سلجوقی دانسته شده اند. تصور می رود که همه این ها تولید ایران باشند و مربوط به اواخر قرن [۵ ق] ۱۱ م و اوایل قرن [۱۲ ق] ۵ م هستند. یکی از آن ها در موزه اشمولین (Ashmolean) (شماره ۲۰، ۱۹۵۶) و دوتای دیگر در موزه های ویکتوریا و آلبرت (شماره های ۱۹۲۶-۱۸۵ C) و (۱۹۲۸-۴۶۲ C) می باشند.^۲

[حال] باید معلوم شود که این قطعه چگونه به مصر آمده است؟ آیا به عنوان یک کالای تجاری آمده یا یکی از شیعیان ایرانی که به آن جا پناهنده شده و حمایت اقتصادی قابل قبول فاطمیان اسماعیلی را جلب کرده بود، آن را [به مصر] آورده است؟ از آن جا که ترکیب (جنس) آن از دیگر اشیاء سفید گوناگون که در قاهره آن زمان متداول بوده، کاملاً

۱. طرح و تصویر همان قطعه را در اسکالن، ۱۹۶۶: ۸۸-۸۵. شکل شماره ۸ و نمره ۱۶ که در آن جا شکل ۵ و ۶ را باید شکل ۷ و ۸ دانست؛ هم چنین پایه آن کاملاً لعاب دار است که در کالاهای مصری آن عصر فرد است.
۲. نخستین ظرف از دو ظرف موزه آلبرت و ویکتوریا [قاعدتاً منظور مؤلف ظرف شماره ۱۹۲۶-۱۸۵ C باید باشد] را لین، ۱۹۴۶: ج ۲۲، ۳۰-۱۹. ظرف شماره d-۱۰ باز نمایانده است، اگر چه او چیزی درباره این کاسه (سفالی) نمی گوید. لین، ۱۹۴۶: ج ۲۵، ۲۲ می گوید: «کاسه ها (سفال های) ایرانی، که ما تاکنون دیده ایم همه حاشیه ای لبه دار در پایین یا پایه ای فرورفته دارند.» حد واسط بین پایه با فرورفتگی و پایه معمولی حلقوی راست، را می توان در دو قطعه از کالای سفید سلجوقی در مجموعه های قابل دسترس دید: یکی در اشمولین (شماره ۱۴۶. بنگرید به شکل ۶ همین جا) و دیگری در موزه ویکتوریا آلبرت. (شماره C۸۶۰-۱۹۲۰) جالب است بدانیم که اگر چه بدل سازی ایرانی از سفال چینی در ابتدا تالی آن بوده، ولی در معادل مصری، از هر دو ویژگی فرورفتگی پایه و شیوه سنتی اجتناب می کرد. (دوری شده بود) این امر می تواند ناشی از آن باشد که واردات چینی با پایه های فرورفته، از کوره های دیگری غیر از آن ها که سفال های مصری را با مدل خاص خود در اواخر قرن [۴ ق] ۱۰ و اوایل قرن [۵ ق] ۱۱ تولید می کردند. فرورفتگی پایه در ایران به زودی ترک شد زمان رواج این روش می تواند کلیدی برای تاریخ گذاری دقیق تر سفال های فوق العاده ارزشمند « کالای سفید سلجوقی » باشد. برای اطلاعات بیشتر در باره این کالا ر.ک: لین، ۱۹۴۷: ۳۴. پوپ، ۱۹۳۹: ج ۲، ۱۵۱۴ - ۱۹. ظروف ۶-۵۹۰.

متمایز است، پس یک سفال‌گر ایرانی پناهنده به مصر نمی‌تواند آن را ساخته شده باشد، مگر این‌که او خاک رس محلی را از ایران به آن‌جا آورده باشد. کافی است که آن را در میان آثار کشف شده از فسطاط، بی‌نظیر بینداریم، آن‌گاه فقدان هرگونه بدل‌سازی از آن در سرامیک مصری، نظریه یک وقفه ناگهانی (یا در بهترین حالت: محدودیت شدید) در تجارت بین مصر و مشرق تحت فرمان سلجوقیان را اعتبار می‌بخشد. به ویژه وقتی که شواهد باستان‌شناسی برای چنین تجارتی یا سبک تقلیدی در هریک از طرفین زمان ۳۹۱-۵۹۷ ق / ۱۲۰۰-۱۰۰۰ م دیده می‌شود.

نتیجه

از آن‌چه گفته شد می‌توان چنین نتیجه گرفت که تجارت ایران و مصر در دوره اسلامی اهمیت و رونق زیادی داشته است. به ویژه در قرن دوم و هم‌زمان با دست‌یابی عباسیان بر خلافت اسلامی، و با توجه به جایگاه ایرانیان در این دستگاه خلافت، تأثیرگذاری عمیق فرهنگی ایران بر مصر از دو طریق اداری و تجاری آغاز شد که تا پایان دوره فاطمی ادامه یافت. در منابع تاریخی شواهدی دال بر این اثرگذاری فرهنگی را می‌توان یافت. اما قطعاً میزان داده‌ها آن‌قدر اندک است که نمی‌توان کلیت و عمق آن را درک کرد. ولی در یافته‌های جدید باستان‌شناسان، داده‌های فراوانی به دست آمده که بر اساس آن‌ها می‌توان مطالب زیادی در خصوص این روابط فرهنگی دریافت. بر این اساس در طول قرون دوم و سوم یک رابطه تجاری و فرهنگی مستحکم بین ایران و مصر برقرار شده بود که در نتیجه آن حتی برخی، مصر را در این دوره «زیر سلطه معنوی ایران» می‌دانند.

مطابق یافته‌های باستان‌شناسان، در این زمان تعداد فراوانی از ظروف سفالی، شیشه‌ای و انواع دیگر، از ایران به مصر رفته و صنعت‌گران مصری نیز به بدل‌سازی از آن‌ها پرداخته‌اند. با غلبه بویه‌های بر دستگاه خلافت عباسی، در قرن چهارم، و هم‌چنین غلبه فاطمیان بر مصر، و رقابت فیمابین آن دو دولت، اثرگذاری فرهنگی ایران بر مصر از طریق اداری و تجاری تحت‌الشعاع قرار گرفت. با غلبه سلاجقه و دشمنی آن‌ها با فاطمیان و هم‌چنین شروع جنگ‌های صلیبی، به نظر می‌رسد که این روند تداوم یافته باشد. داده‌های باستان‌شناسی حاکی از آن است که در این زمان، تعداد ظروف ایرانی موجود در بازارهای مصر، کاهش یافته و بدل‌سازی از کالاهای ایرانی نیز در مصر متوقف شد. با توجه به آن‌که از قرن هفتم، دوباره تعداد ظروف ایرانی در مصر به فراوانی یافت شده و بدل‌سازی

از آن‌ها رواج یافته، که بر اساس آن می‌توان از این دوره با عنوان «وقفه تجاری» یاد کرد، اما به دست آمدن برخی ظرف سفالی ارزش‌مند در حفاری‌های فسطاط، که به «کالای سفید سلجوقی» معروف است، خلاف این را ثابت کرده و حاکی از دوام تجارت بین ایران و مصر، حتی در اوج اختلافات سیاسی سلجوقیان و فاطمیان است.

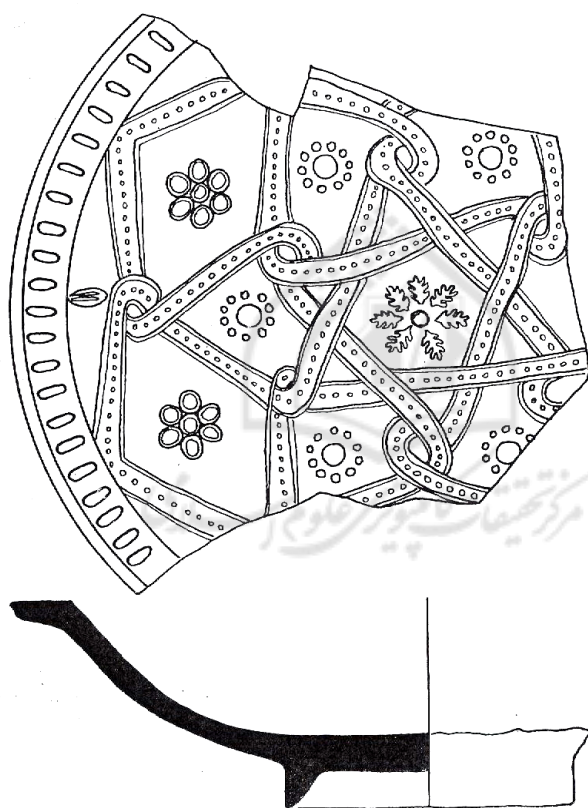
البته روابط تجاری و فرهنگی ایران و مصر در قرون نخستین اسلامی فقط به آنچه که در این مقاله گفته شد منحصر و محدود نمی‌شود. با غلبه اسلام بر شاهنشاهی ساسانی و امپراتوری بیزانس، سرزمین‌های گوناگونی، از شمال آفریقا تا ایران، که به سبب منازعات ایران و روم تجزیه شده بودند، به صورت یک پارچه درآمد. در نتیجه، روند جابه‌جایی جمعیتی شدیدی، به ویژه از ایران و عراق به نواحی مدیترانه‌ای، آغاز گردید که در ابتدا به صورت تشکیل اجتماعات مهاجرنشین و بعداً به صورت مهاجرت و پناه‌جویی بود. گرچه منابع تاریخی در این باره داده‌های کافی ندارند، اما یافته‌های باستان‌شناسی به ویژه اسناد جنیزه، مواد فراوانی برای تحقیق در این باره فراهم آورده است. از اسناد جنیزه بر می‌آید که خاستگاه اکثر افراد طبقه متوسط در مصر و نواحی شمال آفریقا در قرون پنجم و ششم هجری به شهرهای کهن ایرانی باز می‌گشت. درج طیف وسیعی از نام‌های ایرانی در اسناد جنیزه و همچنین خبر از حضور گسترده و اقامت تجار ایرانی در مصر که برخی از آن‌ها به عنوان مؤسس قدرت‌مندترین بنگاه تجاری آن منطقه بودند، بسامد بالای واژه‌های فارسی برای پارچه‌ها و پوشاک و همچنین ذکر بسیاری از اصطلاحات معماری به زبان فارسی، در اسناد جنیزه، همه‌وهمه حاکی از رونق مناسبات فرهنگی و اقتصادی میان ایران و مصر در قرون نخستین اسلامی است.

منابع

۱. اتینگهاوزن ریچارد، سبک منحنی (پنج در معماری) عصر پس از سامرا، باستان‌شناسی شرق: یادواره ارنست هرتسفلد، لوکاست ولی، ۱۹۵۲.
۲. _____ کاربردهای ظروف کروی - مخروطی در شرق جهان اسلام، مجله مطالعات خاور نزدیک *Journal of Near Eastern Studies*، شماره ۲۴، ۱۹۶۵.
۳. اسکالن. ج.ت. یک قطعه سفال لعاب‌دار از فسطاط، مجله باستان‌شناسی، ژوئن ۱۹۷۱.
۴. _____ مصر و چین: تجارت و بدل‌سازی در اسلام و تجارت آسیا، گردآوری د.س. ریچارد، آکسفورد، ۱۹۷۰.
۵. _____ مأموریت فسطاط: گزارش مقدماتی ۱۹۶۵، قسمت اول، مجله مرکز تحقیقات امریکایی در مصر، شماره ۵، ۱۹۶۶.
۶. _____ مأموریت فسطاط، گزارش مقدماتی ۱۹۶۵، قسمت دوم، مجله JARCE، شماره ۴، ۱۹۶۷.
۷. _____ فسطاط: بازنگری‌های باستان‌شناسانه، خلاصه مذاکرات سمینار بین‌المللی تاریخ قاهره، قاهره: وزارت فرهنگ، ۱۹۷۱.
۸. اولیور، پرودنس، برجسته‌کاری اسلامی بر روی شیشه: سال‌شمار پیشنهادی، مجله گلس استادیز *Glass Studies*، شماره ۳، ۱۹۶۱.
۹. پوپ. آ.یو (گردآورنده)، نگاهی به هنر ایرانی، آکسفورد، ۱۹۳۹.
۱۰. جنکینس، مریلین، طرح گیاه تزئینی: مطالعه‌ای پیکرنگارانه بر روی سفال‌های لعاب‌دار مصری، مجله JARCE، شماره ۷، ۱۹۶۸.
۱۱. کرسول، ک.آ.س، معماری نخستین اسلامی، آکسفورد، ۱۹۴۰.
۱۲. _____، معماری اسلامی مصر، آکسفورد، ۱۹۵۲.
۱۳. گست، راثون، روابط میان ایران و مصر در دوره اسلامی تا عصر فاطمیان، مطالعات شرقی، تقدیم به ا.گ. براون، گردآوری ت.و. آرنولدو ر.ا. نیکلسون، کمبریج، ۱۹۲۲.
۱۴. لین، آرتور ظروف لعاب برجسته قرن نهم، *Ars Islamica*، شماره ۶، ۱۹۵۷.
۱۵. _____ کالاهای سونگ و سفال‌گری ایران سلجوقی، خلاصه مذاکرات انجمن سفال شرقی (*Oriental Ceramic Societ Transations*)، جلد ۲۲، ۱۹۴۷.

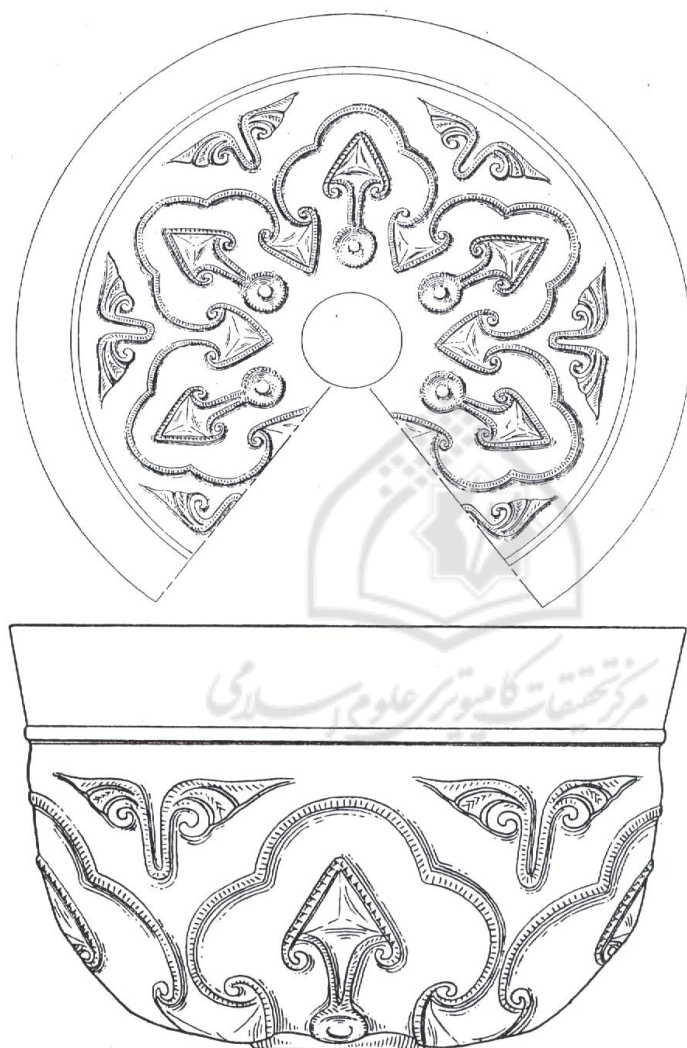
۱۶. _____ سفال‌گری نخستین اسلامی، لندن، ۱۹۴۷.
۱۷. وایتهاوس، دیوید، حفاری‌های سیراف؛ نخستین گزارش موقت، [مجله] ایران، شماره ۴، ۱۹۶۸.
18. Bahgat Aly and Gabriel .Albert, *Fouilles d'Al Fostat* (Paris, 1921).
19. Goitien S.D, *A Mediteranean society*, vol.I, *Economic foundations*, (Berkley and los Angles, 1967).
20. Hawary Hassan, "Une maison de l'époque toulounide", *Bulletin de l'Institut de l'egypte*, XV, 79.
21. Koechlin.R, "Les seramiques Musulmanes de suse au muse du louver", *Memoires de la mission Archeologique de perse*, vol. XIX, 1928.
22. Pezard Maurice, *La Ceramique Archaïque de l'Islam et Ses Origines*, (paris, 1920).
23. Rogers. J.M, "Aeolipiles Again" , *Forschungen Zur Kunst Asiens im memoriam Kurt Erdmann*, ed. Okay Aslanapa, (Istanbul, 1969).
24. Sarre.F, *die Keramik von samara*, (Berlin, 1925).
25. Schnydar.R, "Tulunidsche Lusterfayence", *Ars Orientalis* V (1963).





شکل 1.

شرف سرب اندود، قالب تزئین، مصری (۹)، اوایل قرن دهم

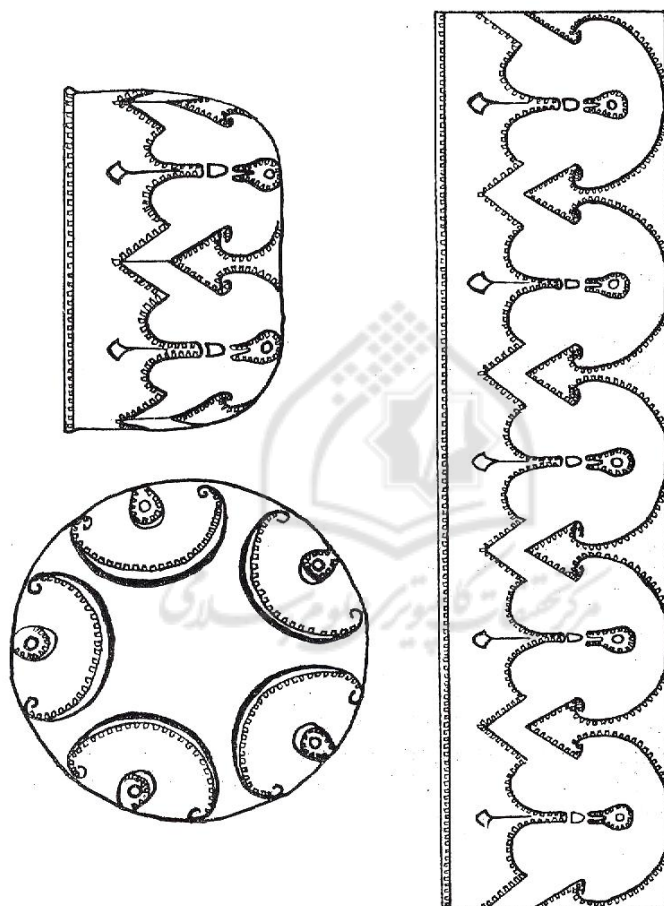


شکل 2.

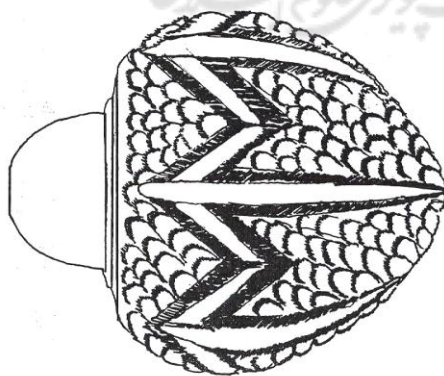
دو ظرف شیشه ای، طرح برجسته کاری تراش دار، ایرانی، قرون 9-10
(با تشکر از متولیان موزه بریتانیا)

سخن تاریخ

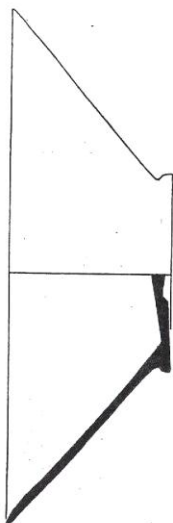
شماره هجدهم - پاییز و زمستان ۱۳۹۲



شکل 3.
فنجان نیو لیتیک ای ؛ طرح برجسته کاری تراش دار، مصری (۹) قرن 8-9



شکل 4
ظرف کروی - مخروطی، مصری



شکل 5
ظرف چینی تقلیدی ایرانی قرن 10-11
(با سپاس از موزه المولین، آکسفورد)



شکل 6.

ظرف چینی تقلیدی ایرانی ، قرن 10-11
(با سپاس از مؤزّه اشمولین، آکسفورد)

